

بدائی يك وجود است ظاهر شده است با اسم غیر و عین
چنان که آن بزرگ فرموده است **بیت** يك عین متفق
که جو او ذره نبود چون کشت ظاهر این همه اغیار آمده و هر
که این سر را دریا بدست خویشتن را خلاص یابد
و پیش این طایفه غسل از خویشتن خلاص یافتی است
چنانکه شیخ فرید الدین عطار قدس الله سره العزیز فرمود
است **بیت** تو تا خود را بکلی در بنای جنب دائم ترا و
نا نمانی چون عذر اهل طریقت را دانستی اکنون حدت
را بدانند و از آلت حدت نشن فرض است اول نیت کردن
دوم روشنی سیوم دستهاستین چهارم مسج کردن
پنجم پاهاستی ششم ترتیب نگاه داشتن چون اهل طریقت

این نشن فرض را بجای آورنده بعد از آن فعل صادر شود که
آن نه گفته بود پس روی بشویند یعنی بگردانند از ما سوال الله
چنان که آن بزرگ فرمود **بیت** پس بشوی از هر دو عالم دست
و روی تا شوی شایسته این گفت و گوی پس دستها بشویند
یعنی دستها فرو شویند از جمع تعلقات دنیوی و آخری پس مسج
سر کنند یعنی سر خود را از اینت انانیت پاک گردانند و در
سر ایشان سجده از محبت حق چیزی دیگر نباشد پس پاهایشویند
یعنی سجده از طریق حق بشویند پس ترتیب نگاه کنند یعنی اول
توکل دنیا کنند دوم آخرت سیوم خود مگر شیخ بنیامین قدس
سرخ نه نشینده که الوضوء انفصال و الصلوة انفصال فن
لم یفصل لم یفصل ای عاقل اگر انفصال ما دون الله

کتابخانه دانشگاه تهران
مجموعه خطی
تاریخ ثبت کتابخانه
۱۳۰۲

Copyright © King Saud University